

می توان دنبال کرد.

همان طور که ذکر شد، ایشان در مباحثی که دربارهٔ سعادت مطرح کرده است این مقوله را از منظر قرآن مطرح می کند. از این رواز دید امام موسی صدر در منطق قرآن خوشبختی و بدبختی و به تعبیر دیگر سعادت و شقاوت در دستان خود انسان است و انسان مجبور و مقهور اعمال دیگران نیست. این یک مبنای اصلی و کلیدی در بحث سعادت سید موسی صدر است. منطق قرآنی چنین نگاهی را به انسان یادآور می شود که انسان مجبور طبیعت و جامعه نیست. ایشان می گوید تو، ای انسان، خودت سعادت و شقاوت خودت را به شکل فردی یا اجتماعی تعیین می کنی.^۲ این بحث محل پیدایش بحث سعادت فردی و سعادت اجتماعی در مجموعه آرای صدر است که هر کدام واجد اهمیت زیادی است.

ایشان این موضوع را بر اساس آیات قرآن پی می گیرد و از اینجا است که به بحث رابطهٔ سعادت و عمل می رسد. از نظر صدر، در آموزه های اسلامی عمل انسان در کنار ایمان از اهمیت زیادی برخوردار است. در این صورت اگر پس از ایمان که در ابتدا انتزاعی است عملی انجام نشود، سعادت نمی رسد. زیرا انسان بر اساس آنچه حرکت می کند و به تعبیری بر اساس اعمال خودش می تواند مورد توجه و سنجش قرار گیرد. بنابراین، سعادت و شقاوت حقیقی آدمی تأثیر هرگونه عامل خارجی به معنای عمل غیرارادی را برای انسان نفی می کند و تنها راه وصول و حصول به سعادت و شقاوت را با ابتنا بر عمل ارادی می داند.^۳ این مطلب را صدر بر مبنای آیهٔ پنجم سورهٔ مدثر مورد تأکید قرار داده است: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» (هر کس در گرو کاری است که کرده است)، و آیه ای از سورهٔ شمس «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (و سوگند به نفس و آن که نیکویش بیافریده. سپس بدی ها و پرهیزگاری هایش را به او الهام کرده، هر که در پاکی آن کوشید، رستگار شد و هر که در پلیدی اش فرو پوشید نومید گردید).^۴ بنابراین، اینکه گروهی از امتیازی بهره مند یا از شرایط ویژه ای برخوردار باشند و با چنین امتیاز اعطایی ای به سعادت نایل شوند برخلاف آن چیزی است که در آیات قرآن بدان تصریح و تأکید شده و مورد استشهاد صدر نیز قرار گرفته است. بر این اساس ایشان در یکی از بحث های خود آنچه را که یهودیان معتقدند، که آن ها فرزندان و عزیزکردگان خداوند هستند، بر اساس آیات قرآن نفی می کند و چنین اندیشه ای را که گروه و نژاد و دینی واجد امتیاز ویژه ای باشند و بر اساس آن از یک سری امتیازات ویژه بهره مند شوند و به این وسیله به سعادت برسند اساساً خطأ و آن را با توحید حقیقی در تنافی و تضاد می داند.^۵

بر اساس ایده مطرح شده، صدر بر این نظر است که چنین نگاهی انسان را از کار و تلاش بی نیاز نمی کند و سعادت و شقاوت انسان بر اساس کار و کوشش و عمل رقم می خورد. صدر در بحث دیگری در کتاب رهیافت های اقتصادی اسلام بر کار تأکید کرده و کار را جوهر انسان و تمدن می داند. تلقی صدر این است که اگر جامعه ای بخواهد به پیشرفت و تمدن و سعادت برسد باید کار در آن دارای ارچ و قرب و ارزشمند باشد و کار در آن جامعه انجام گیرد و انسان ها همه در حال کار و تلاش

